

## سیری در دیوان و سبک قصاید وحید قزوینی

رقیه صدراپی\*

### چکیده

وحید قزوینی از خاندانی است که در خدمت‌های دیوانی روزگار می‌گذرانید و مانند بسیاری از دیوانیان عصر صفوی، شاعر بود و اتفاقاً شاعری پر کار نیز بود. اشعار وحید در موضوع‌هایی متفاوت چون مضامین حماسی تا غنایی و اخلاقی و شهرآشوب سروده شده است.

سبک اصلی شعر او سبک اصفهانی یا هندی است که سبک شاعران عهد صفوی است.

در این مقاله ویژگی‌های سبک قصاید وحید، زبان (واژگان و نحو) و بیان (عناصر بلاغی) را بررسی نموده و نمونه‌هایی از هر کدام ذکر شده است.

### کلید واژه‌ها

میرزا طاهر وحید قزوینی - قصاید - سبک - ساختار - تغزلات - مبالغه.

---

\* دانش‌آموخته دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانش‌گاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات تهران.

## مقدمه

عمادالدین میرزا محمد طاهر قزوینی پسر میرزا حسین خان قزوینی، متخلص به وحید از خاندانی است که در خدمت‌های دیوانی روزگار می‌گذرانیدند و از جمله شاعران و منشیان معروف عهد صفوی بوده است که در مراتب دیوانی تا به مرتبهٔ صدارت ارتقا جست.<sup>۱</sup>

تولد او به سال ۱۰۱۵ هـ. ق در اواسط حکومت شاه عباس اول صفوی اتفاق افتاد. نصرآبادی در تذکره‌اش او را میرزا طاهر ذکر کرده است.<sup>۲</sup> کنیه‌اش ابوالفضل و تخلص شاعری او وحید است.

وی پس از دانش‌اندوزی و کسب مهارت و ادب و خوش‌نویسی و ترسل و سیاق، وارد خدمت‌های دیوانی گردید و در شمار دفترنویسان دیوان درآمد و بتدریج مشهور شد. تا آن‌که در دورهٔ صدارت میرزا تقی اعتمادالدوله معروف به (ساروتقی) وزیر شاه صفی و شاه عباس دوم به دستگیری او برگزیده شد. چون ساروتقی در اوایل پادشاهی شاه عباس دوم به سال ۱۰۵۵ کشته شد، خلیفه سلطان (سید علاءالدین حسین) عهده‌دار صدارت گردید و منصب واقعه‌نویسی (وقایع‌نگاری) را به وحید تفویض نمود. او در این سمت بود تا پس از مرگ شیخ علی‌خان زنگنه وزیر شاه سلیمان به سال ۱۱۰۱ هـ. ق با لقب اعتمادالدوله وزیر اعظم شاه سلیمان گردید و در اوایل عهد شاه سلطان حسین چون سال عمرش از نود گذشته بود و ضعف پیری بر او مستولی شده بود - به گفتهٔ برخی از تذکره‌نویسان - به سبب عتاب سلطان از کار کناره گرفت.<sup>۳</sup>

میرزا طاهر جامع کمالات و صاحب استعداد بلند بود. با آن‌که به دلیل کثرت اشتغال دنیوی و عدم فرصت اصلاً به کسب دانش کمر سعی نبسته بود، لیکن به قوت ادراک از اکثر علوم بهرهٔ وافیه برداشته، نه تنها در ترتیب نظم و نگارش نثر سلیقهٔ درست داشت، بلکه به صفای ذهن و رسایی مُدرکه و معنی‌یابی و بدیهه‌رسانی در میان مستعدان عصر لوای رجحان افراشت. کلیاتش قریب سی هزار بیت است.<sup>۴</sup>

دکتر صفا می‌نویسد که مجموع شعرهای وحید از روی نسخه‌های موجود پیرامون پنجاه هزار بیت است.<sup>۵</sup> اگر چه تعداد ابیات وحید را سی هزار تا نود هزار نوشته اما این تعداد اخیر را مبالغه‌آمیز می‌داند.

رضا قلی هدایت در تذکرهٔ خود چنین می‌نویسد: نود هزار بیت در شیراز دیده شده که مشتمل به نظم و نثر و ترکی و فارسی و رسالات در هر فن بود.<sup>۶</sup>

از میان آثار مختلف و حید اعم از نثر و نظم، تاریخ و حید قزوینی از اهمیتی خاص برخوردار است. این کتاب که تاریخ دوران شاه عباس ثانی را دربر می‌گیرد به‌ترین منبع موجود آن زمان است و اهمیتی از آن جاست که میرزا طاهر خود بسیاری از وقایع را مشاهده کرده است.

آثار منثور میرزا طاهر عبارت است از:

۱- تاریخ جهان آرای عباسی (عباس‌نامه)، ۲- منشآت، ۳- اصول الخمسه (اصول الدین)، ۴- رساله‌ای در علم حساب، ۵- حاشیه‌ای بر تلخیص مقالات ارسطو از ابن رشد، ۶- مرآت الاعجاز و . . .

آثار منظوم وی عبارت است از:

۱- خلوت راز (۲۲۰۰ بیت)، ۲- راز و نیاز یا ناز و نیاز (۲۲۰۰ بیت)، ۳- عاشق و معشوق به وزن لیلی و مجنون (۱۳۰۰ بیت)، ۴- فتح‌نامه قندرها (۴۶۰ بیت)، ۵- آلت جنگ (۸۶۰ بیت)، ۶- گلزار عباسی (۶۶۰ بیت)، ۷- مثنوی شهرآشوب و . . .<sup>۷</sup>  
تذکره‌ها درباره تاریخ وفات و حید اختلاف دارد؛ سال‌های مذکور میان ۱۱۰۵ تا ۱۱۲۰ هـ. ق است. تذکره نصرآبادی وفاتش را به سال ۱۱۱۲ نوشته است.<sup>۸</sup> تذکره روز روشن سال وفات او را ۱۱۱۰ هـ. ق نقل کرده و سن او را هنگام مرگ بیش از نود سال نوشته است.<sup>۹</sup> دکتر صفا نیز نظر نویسنده روز روشن را درست می‌داند.<sup>۱۰</sup>

### سبک شاعر

شعر و حید با توجه به ویژگی‌های آن باید از چند جنبه مورد بررسی قرار گیرد. یکی تأثری که و حید از شعرای پیش از خود گرفته است؛ دوم تحولاتی جدید که در شعر و ادب بوجود آورده است.

### ویژگی‌های سبکی شعر و حید

در این مبحث مشخصات سبکی شعر و حید، زبان، واژگان نحوی، بیان و عناصر بلاغی را بررسی می‌کنیم:

### ویژگی‌های زبانی

استعمال کلمات و الفاظ عامیانه که فاقد جنبه ادبی است و هم‌چنین ورود زبان کوچه و بازار در آثار منظوم و منثور فارسی، جزء خصوصیات بارز اوضاع ادبی صفویه است. در شعر و حید قزوینی تا حدودی این خصیصه بچشم می‌خورد:

- کار بر دل مردمان را بار و فصل عشرت است  
غیر یک معنی درین موسم ندارد کار و بار  
قصیده ۳۵، بیت ۲۴
- شاعران جان از برای شعر فهمان می‌کنند  
دختر هر کس وجیه افتاد ممت شوهر است  
قصیده ۶، بیت ۵۰
- جست خواب‌آلود خضر سبزه از صحن چمن  
کرد ابر نوبهاری بس که فریاد و فغان  
قصیده ۲۵، بیت ۳
- ۲- موتیف‌های خاص: واژگانی از شمع و پروانه یا گل و بلبل و آن‌چه تصویر و شبکه‌تداعی در پیرامون این گونه عناصر در شعر است، موتیف یا یک تم است. در شعر سبک هندی علاوه بر گسترش حوزه‌تداعی و شبکه تصویرها در پیرامون موتیف‌های رایج میان شاعران دوره قبل، کوشش برای ذکر کردن موتیف‌های جدید، فراوان بچشم می‌خورد. بنابراین موتیف‌هایی از قبیل شیشه ساعت، گل‌های تصویر، ریگ روان، خواب مخمل و امثال آن از خصایص شعر این گویندگان است. (شفیعی کدکنی، شاعر آینه‌ها، ص ۷۰-۷۱)
- گذشته از موتیف‌های جدید، گسترش بعضی از موتیف‌های قبلی در شعر این دوره بسیار چشم‌گیر است همانند: حباب، ریگ روان، آینه. در اشعار وحید قزوینی به بسامدی بالا از این موتیف‌ها برمی‌خوریم:
- گر چه بر رخسار او گلگونه اظهار نیست  
هست از خون عدو لبریز چون برگ حنا  
قصیده ۴، بیت ۵۱
- در کارگاه عمر ز مستی و بی‌خودی  
چون مخمل دو خوابه مرا بود بود و تار  
قصیده ۱۳، بیت ۱۶
- نه‌ای کم از حبابی پای نه بر پشته هستی  
که شهر نیستی را زیر پای خود عیان بینی  
قصیده ۲۶، بیت ۲۳
- حباب‌آسا لباس هستیت گر یک تهی باشد  
هوای بحر را به از نسیم گلستان بینی  
قصیده ۲۶، بیت ۲۲
- بودی سیاه کاری من خوش‌نما برم  
چون بر عذار لاله‌رخان چشم سرمه‌دار  
قصیده ۱۳، بیت ۲۱
- تا سکندر را دهد حکمت زلال العطش  
ابر را پنهان کند در پرده ریگ روان  
قصیده ۲۳، بیت ۳۰
- تماشایش ز حیرت بست سدی  
که چون آینه کرد آب روان را  
قصیده ۲، بیت ۹

## ترکیبات

استعمال ترکیبات متنوع از بسامدی بالا در قصاید وحید برخوردار است. انواع ترکیبات زبانی چون ترکیب اضافی و ترکیب وصفی در شعر وحید حضوری چشم‌گیر دارد:

فرورد پیش شمع دیده‌ها چون پنجه موسی قصیده ۱، بیت ۶	دلی خواهم که شب‌ها از تجلی شاخ‌مرجانش
اگر صد عقبه باشد مردمان را در ره عقبی قصیده ۱، بیت ۵۲	بپاشد چون تل ریگ روان از صرصر امرش
نشاید ساخت شمع از جامه ابریشمین قطعا قصیده ۱، بیت ۱۶	به نرمی تا توانی قطع حرف شعله‌خویان کن
می‌تپد چون نبض اگر بر نامه نقش مسطر است قصیده ۶، بیت ۵۴	بس که دارد اضطراب از شرح پیچ و تاب ما
می‌برد این جامه بر قد عدو سر تا به پا قصیده ۴، بیت ۵۴	خلعت زخمی که می‌بخشد ندارد کو تهی
کرده مخمل باف صنع ایزدش زینسان به پا قصیده ۴، بیت ۳۱	از پی اتمام فرش سبزه‌های مخملی

## استشادات:

## الف) آیات:

که نازان بر وجود اوست ارض یثرب و بطحا قصیده ۱، بیت ۴۴	حبیب حق رسول کردگار آن مظهر رحمت
تلمیح دارد به مظهر رحمت بودن رسول اکرم (ص): «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (سوره انبیا، آیه ۱۰۷)	
دم جان‌بخش را در سینه زندانی کند عیسی قصیده ۱، بیت ۴۵	شهنشاهی که مانند حباب از شرم اعجازش
اشاره دارد به زنده کردن مردگان توسط حضرت عیسی (ع): «وَأُبرئِ الْأَكْمَهَ وَ الْاَبْرَصَ وَ أَحیِ الْمَوْتی بَاذْنِ اللَّهِ» (سوره آل عمران، آیه ۴۹)	
چو بر باد تخت رفیع سلیمان قصیده ۲۴، بیت ۳۳	سواران بر اسبان تازی نشسته
اشاره دارد به «وَلَسَلیمانَ الرِّیحَ عُدُوْهَا شَهْرٌ وَ رَوَّاحُهَا شَهْرٌ» (سوره سبأ، آیه ۱۲)	
که به داند ز سلوی و ز من موسی عمران‌ش قصیده ۴۰، بیت ۲۱	ندارد گرچه من اما بود سلوای صلواتش

تلمیح دارد به: «وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّانَ وَ السَّلْوى» (سوره بقره، آیه ۵۷)

ب) احادیث و اقوال و عبارات عربی:

اگر چه ختم شد پیغمبری بر ذات بی مثلش در اول نور او موجود گردید، آن گهی دنیا  
قصیده ۱، بیت ۵۹

تلمیح دارد به این حدیث از حضرت محمد (ص): «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي»، (بحار

الانوار، ج ۱، ص ۹۷)

عالمی در تو عیان گشت و از آن گردیده است بیکرت ماصدق نکتۀ ماقلاً و دل  
قصیده ۱۷، بیت ۵۲

گویا اشاره به مثلی یا روایتی است که: «خیر الکلام ما قلّ و دلّ و لم یملّ»

### آرایه‌های لفظی و معنوی

در میان عناصری که شاعر در جهت تقویت قوه خیال شعر خود از آن‌ها بهره گرفته است. تشبیه جای گاهی ویژه دارد. تشبیهات وحید ریشه در طبیعت و دنیای اطراف او دارد و غالباً از نوع تشبیه حسی به حسی است. زیبایی این تشبیهات غالباً در مشبه‌بھی است که شاعر برمی‌گزیند:

ثمر را بینی از پیوند شاخش چنان کز دانه نار استخوان را  
قصیده ۲، بیت ۱۲

بود زهر هلاهل خواستن از مردمان یاری که مردم همچو دندانند و گیتی کام از درها  
قصیده ۱، بیت ۲۲

### استعاره

وحید در کلامش در بعضی موارد به اقتضای سخن از استعاره استفاده می‌کند: ز شوق این بحر گوهرخیز را زانان به جوش آور که بتواند سمندر چون صدف کردن درو مأوا  
قصیده ۱، بیت ۲

بحر استعاره از دل است.

### تشخیص

در قصاید وحید بسامد آرایه تشخیص بسیار بالاست و مضمون‌هایی جدید که وحید در این صنعت بکار برده است بسیار زیباست:

گر چه گره سخت شد در جگر دانه لیک با کف بی پنجه‌اش باز کند آسیا  
قصیده ۵، بیت ۱۱

بس که درو کرد غم بر سر هر جا گرفت روی بمالد به خاک در دل تنگم دعا  
قصیده ۵، بیت ۱۸

جگر دانه و پنجه آسیا/ روی دعا

## جناس

بینند به زیر قدم خود ز بلندی  
 ای آن که تو را تا که بر اورنگ فلک دید  
 بر درگه او کاه‌کشان کاه‌کشان را  
 گوید چه کسانند و کیانند کیان را  
 قصیده ۳، بیت ۲۷-۲۸

کاه‌کشان، کاه‌کشان / کیان، کیان

## تلمیح

نکته‌ای که تلمیحات شعر وحید را برجسته کرده، این است که غالب تلمیحات ریشه قرآنی و مذهبی دارد و شاعر با تسلطی که به داستان‌های قرآنی، بویژه تفاسیر دارد، چنین تلمیحاتی را در سخن خود گنجانیده است:

دلی خواهم که شب‌ها از تجلی شاخ مرجانش  
 فرزند پیش شمع دیده‌ها چون پنجه موسی  
 قصیده ۱، بیت ۶

شهنشاه جهان مقصود هستی قبله بینش  
 جهان کبریا بالانشین بزم او ادنی  
 قصیده ۱، بیت ۴۳

## تناسب

در بعضی قصاید وحید به آریه تناسب و مخصوصاً ایهام تناسب برمی‌خوریم:

نغمه آب روان آواز رود آید به گوش  
 صفحه قانون نماید سنگ‌های آبشار  
 قصیده ۳۵، بیت ۲۶

رود با آب ایهام تناسب دارد.

## تمثیل

تمثیل در لغت به معنی شاهد مثال آوردن، تشبیه کردن، صورت چیزی را مصور کردن، داستان یا حدیثی را به عنوان مثال بیان کردن است. (فرهنگ فارسی، محمد معین، ذیل تمثیل) در اصطلاح ادب آن است که عبارت نظم یا نثر را با جمله‌ای که مثل یا متضمن مطلبی حکیمانه است، بیارایند (فنون بلاغت و صنایع ادبی، جلال الدین همایی، ص ۲۹۹):

دل خصمش ز بخت خود سیاهست  
 که رنگ از سرمه باشد سرمه‌دان را  
 قصیده ۲، بیت ۴۳

ماننده تیغ تو برنده است نیامش  
 کز مشک بود تندی بو غالیه‌دان را  
 قصیده ۳، بیت ۴۲

### نازک خیالی و مضمون سازی

در دیوان وحید بسامد نازک خیالی و مضمون سازی بسیار زیاد است:

بسته است در ظلم در ایام تو گردون ز آنان که در اعیاد ببندند دکان را  
قصیده ۳، بیت ۳۷

چو آه عشق بازان در دل گرم نمو باشد در آتش ریسمان را  
قصیده ۲، بیت ۳۴

### وابسته‌های عددی

در شعر وحید به وابسته‌های عددی نیز برخورد می‌کنیم:

نیم تبسم مرا قسمت از آن لب نشد من چو دگر عاشقان نیستم ای بی‌وفا  
قصیده ۵، بیت ۳۳

یک گریبان‌وار باشد از لباس عزت‌ش مهر انور، گرچه آفاکش به زیر دامن است  
قصیده ۳۸، بیت ۵۵

### باورها و اعتقادات عامیانه

وحید به طرق مختلف از محیط اطراف و افکار و اعتقادات عامیانه در قصاید خود

بهره می‌گیرد:

در عهد جهان‌داریت ای خسرو عادل آمیزش شیر است و شکر، ماه و کتان را  
قصیده ۳، بیت ۵۰

بوی گل و لاله را نعل در آتش بود غره به خوبی مشو حسن ندارد وفا  
قصیده ۵، بیت ۳۵

### حس آمیزی

در شعر وحید قزوینی به مواردی زیاد از این صنعت ادبی بر می‌خوریم:

حدیث بوی خلقتش زیر لب آهسته می‌گوید گل اما بلبل شوریده می‌گوید به دستانش  
قصیده ۴، بیت ۶۲

پنبه غفلت گرفت گوش تو را ورنه هست عمر گریزنده را هر نفس آواز پا  
قصیده ۵، بیت ۲

### تصاویر متناقض‌نما

در شعر وحید قزوینی نمونه‌های تصویرهای متناقض‌نما فراوان است:

چه گویم از علو شأن و جاهش بلد کس نیست ملک لامکان را  
قصیده ۲، بیت ۳۹

کسی در ظرف دریا هم ندیده است به این استادگی آب روان را  
قصیده ۲، بیت ۵۱



## لف و نشر

پیشانی و سم و سر و ساق و میان او      یهن است و سخت و سست و دراز است و لاغر است  
قصیده ۹، بیت ۴۵

## اغراق

عنصر اغراق در جای جای قصاید وحید وجود دارد و شاید بتوان گفت که به  
پیروی از پیشینیان خود در این صنعت ید طولایی دارد:  
بجوشد باده چون شیر ار بدوشند      چو پستان غنچه‌های گلستان را  
قصیده ۲، بیت ۱۷  
حکم تو زمین را سبک از جای رباید      زانسان که زبان نقل کند کوه گران را  
قصیده ۳، بیت ۳۰  
حلم تو به هر جا قدم خویش فشارد      مانع شود از سرعت، رفتار زمان را  
قصیده ۳، بیت ۳۲

## تکرار

تکرار مصرع و کلمات در شعر وحید فراوان بچشم می‌خورد؛ مثلاً قصیده ۹، بیت ۳  
و ۹ (مصرع اول تکرار شده است):  
از بس به رنگ آینه گردیده صیقلی      هر برگ گل به دیده گلستان دیگر است  
بیت ۳  
از بس به رنگ آینه گردیده صیقلی      دیوار باغ در نظر مردمان در است  
بیت ۹  
در قصیده ۲، بیت ۲۰ شمشیر او سنگ فسان را:  
عجب نبود اگر بُرنده سازد      چو شمشیر آب او سنگ فسان را  
بس که دارد آب‌ها بُرندگی نبود عجب      گر شود بُرنده چون شمشیر ازو سنگ فسان  
قصیده ۲۵، بیت ۲۰

## تکرار قافیه

شعر وحید از نظر قافیه، ردیف و وزن نقاط مشترکی فراوان با سبک هندی دارد.  
از جمله این موارد می‌توان به تکرار قافیه، استفاده گسترده از ردیف، بحر رمل و مضارع  
اشاره کرد. این عوامل موجب شده که موسیقی شعر وحید، با وجود تأثر از اشعار  
گذشتگان، پیوندی تنگاتنگ با شعر سبک هندی پیدا کند؛ از قصاید وحید ۱۲ قصیده  
ردیف دارد (مَرَدَف است). در قصیده ۵، واژه (صبا) در بیت ۲۷، ۴۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰ در

قافیه تکرار شده است:

بس که جهان اعتدال یافته از عدل تو      غنچه گل شد شرار از نم باد صبا  
ای به عدالت سمر نیست به عهدت عجب      از دم تیغ چراغ گر بگیرد صبا  
ابیات ۵۸-۵۹

### بحرها و وزن‌های قصاید:

- ۱- از قصاید وحید ۱۲ قصیده ردیف دارد (مُرَدَّف است) ردیف‌ها: راه، است، نشست، کند، ندارد، بینی، شکوفه و انداخته است.
- ۲- بحر رمل مَثْمَن محذوف ۱۷ قصیده را شامل می‌شود.
- ۳- بحر مضارع مَثْمَن اِخْرَب مکفوف محذوف (نادره عروض) ۴ قصیده را شامل می‌شود.
- ۴- بحر مجتث مَثْمَن مَخْبُون اصلم و محذوف (از اوزان پر کاربرد در شعر فارسی) ۹ قصیده را شامل می‌شود.
- ۵- بحر هزج مَثْمَن سالم ۴ بار تکرار شده است.
- ۶- قصیده ۳ ذوبحرین است.
- ۷- قصیده ۲ بحر ترانه و دوبیتی است.
- ۸- در قصیده ۲۶ تجدید مطلع شده است.
- ۹- قصیده ۵ بحر منسرح و از لحاظ موسیقایی تند و خیزابی است و ۱ قصیده را شامل می‌شود.
- ۱۰- کم‌ترین ابیات: قصیده ۱۴، ۱۱، بیت و ۴۱، ۱۰ بیت است و قصیده ۱۲ طولانی‌ترین ابیات را شامل می‌شود (۱۲۴ بیت).
- ۱۱- در قصیده ۵ حنا در بیت ۹، ۲۵، ۵۶ و صبا در بیت ۲۷، ۴۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰ در قافیه تکرار شده است.
- ۱۲- قصیده ۲۸ دارای ردیف شکوفه که یکی از سخت‌ترین ردیف‌هاست و ۸۵ بیت دارد.
- ۱۳- از قصاید وحید، ۶ قصیده بحر سالم دارد.
- ۱۴- بحر هزج و زحافات آن ۷ قصیده را شامل می‌شود.
- ۱۵- بحر خفیف ۱ قصیده را شامل می‌شود.
- ۱۶- بحر متقارب سالم ۲ قصیده را شامل می‌شود.

### ساختار قصاید وحید

چارچوب قصاید میرزا طاهر وحید قزوینی مانند متقدمان شامل تغزل، تخلص، مدح و تابیید (شریطه) است. کمی تأمل در شعر وحید این حقیقت را روشن می‌کند که وی سخت نسبت به سبک عراقی وفادار بوده است و بهترین قصاید او با مایه‌های عراقی

و البته با چاشنی هندی سروده شده است، با این تفاوت که مضامین تازه و معانی بکر و اقسام مجازها و پیچیدگی و ابهام لفظ در آن دیده می‌شود و از این حیث تنها می‌تواند به اشعار خاقانی شباهت و با آن‌ها قرابت داشته باشد.

قصاید او با مدح رسول اکرم (ص) شروع می‌شود:

حبیب حق رسول کردگار آن مظهر رحمت      که نازان بر وجود اوست ارض یثرب و بطحا  
شهنشاهی که مانند حباب از شرم اعجازش      دم جان‌بخش را در سینه زندانی کند عیسی

اگر چه عصر صفوی عصری است که بازار قصاید مدحی رونقی چندان ندارد و قصاید مدحی را کار طمع‌پیشگان می‌دانند. عرفی می‌گوید:

قصیده کار طمع‌پیشگان بود عرفی      تو از قبیله عشقی وظیفه‌ات غزل است

اما بنا به سنت شعر فارسی که قصاید مدحی بخش اعظم دیوان شاعران را تشکیل می‌دهد در عصر صفویه نیز این سنت ادامه یافت، لیکن از شدت آن کاسته شد. در دیوان قصاید وحید از ۴۱ قصیده، ۲۰ قصیده در ستایش خداوند، حضرت علی (ع)، امام رضا (ع) و سایر ائمه (ع) و ۲۱ قصیده در مدح پادشاهان صفویه است.

قصاید مدحی وحید بیش‌تر در مدح شاه عباس دوم بوده است:

عباس شه ثانی منصور معظم      کز عدل جوان کرد دگر باره جهان را  
شاهی که زر از شوق کفش چون دل عاشق      از بس که تپد چاک کند سینه‌کان را  
مقصود بود کام وی از گردش گردون      از صاحبی اوست اثر حکم قران را  
قصیده ۳، ابیات ۲۳-۲۵

شاه سلیمان (شاه صفی) بعد از شاه عباس دوم به تخت پادشاهی نشست. وحید

چندین قصیده در مدح او دارد که یکی از قصاید او در جلوس شاه سلیمان است:

چون زلیخا روزگار پیر شد از نو جوان      از جلوس پادشاه کام بخش کامران  
آبروی تخت و زیب بخت و جان خسروی      پادشاه دین صفی، ابن شه صاحب‌قران  
شاهی که به بندگیش نازند      شاهان جهان چو دین به قرآن  
سردفتر خسروان عالم      سلطان جهانیان سلیمان  
قصیده ۲۹، بیت ۲۳-۲۴

ترتیب مدح پادشاهان صفوی در قصاید وحید به ترتیب دوره زمانی و پادشاهی

آنهاست.

وحید قصیده‌ای هم در مدح ساروتقی وزیر شاه عباس دارد، این وزیر در ارتقای

وحید نقشی مؤثر داشت:

برق جان اهل ظلم و آبروی اهل فقر      بنده محتاج جودت صاحب صاحب‌دلان  
گلشن اخلاص یعنی حضرت میرزا تقی      کز زلال حمد انعامت بود رطب اللسان

قصیده ۲۳، بیت ۳۵-۳۶

بسیاری از قصاید وحید حُسن تخلص را بطرزی نیکو نشان می‌دهد:  
 به او گویم گر این مطلوب را نیکو نمی‌دانی      بگویم تا ز نامش همچو گل گردد لبم بویا  
 شهنشاہ جهان، مقصود هستی، قبلهٔ بینش      جهان کبریا، بالانشین بزم او ادنی  
 قصیده ۱، بیت ۴۲-۴۳

اکثر قصاید او به دعا، شریطه (تابید) ختم می‌شود:  
 سخن را ختم خواهم بر دعا کرد      که ممنون سازم از خود قدسیان را  
 الاهی تا نگرده آسمان پیر      جوان داری تو این شاه جوان را  
 قصیده ۲، بیت ۵۳-۵۴

اما از آن‌جا که عصر صفوی دورهٔ حاکمیت مذهب شیعه است و از جمله ادواری است که اغلب شعرای آن نیز شیعه هستند. علاقه و ارادت وحید به مذهب شیعه و هم‌چنین به خاندان عصمت و طهارت از جای جای اشعار او پیداست، زیرا عمدهٔ قصاید او رنگ مذهبی دارد و در ستایش خاندان عصمت از جمله حضرت علی (ع) و امام رضا (ع) می‌باشد.

در مدح و ستایش حضرت علی (ع) می‌گوید:

اسدالله علی عالی اعلی که شود      بی‌غبار در او مردمک دیده سبل  
 آن فلک قدر که در دیدهٔ صاحب‌نظران      عقل ثانی است نخستینش نبی مرسل  
 ز احتساب غضبش غنچهٔ نرگس گردد      شوخی غمزهٔ معشوق به چشم اشهل  
 در شب تار عدم بود سحرگاه وجود      که مقدم به جهان گشت چو روز اول  
 قصیده ۱۷، بیت ۲۷-۳۰

قصایدی در مدح امام رضا (ع) :

گوهر دریای عشق نشأهٔ صهبای حسن      نکهت گلزار قدس شاه خراسان رضا  
 با مدد حفظ او چون به رخ لعل رنگ      شعله تواند گرفت در دل گرداب جا  
 قصیده ۵، بیت ۴۲-۴۳  
 چون گل خورشید گشت روی دلم سوی او      بزم حضورش نصیب گشت مرا زین ادا  
 قصیده ۵، بیت ۴۸

در قصیده‌ای بعد از مدح و ستایش امام رضا (ع) از او طلب شفاعت می‌کند:  
 ای محیط آفرینش روضهٔ پرنور تو      چرخ یک قندیل صحن گنبد زرکار تست  
 هیچ کس بیرون نباشد زین حصار عافیت      آسمان‌ها در پناه سایهٔ دیوار تست  
 بر تو چون معشوق خلق عالمی دل بسته‌اند      آسمانی آسمان این کوکب سیار تست  
 قصیده ۸، ابیات ۹-۱۱  
 گوشهٔ چشمی، که از غم، دشت محشر شد دلم      ز آنکه در روز قیامت دستگیری کار تست  
 قصیده ۸، بیت ۱۸

بعضی از قصاید او مانند خاقانی دارای دو مطلع است. قصیده ۳:  
 مطلع اول:

ایام دگر چید پی عیش دکان را	رنگی به رخ آمد ز گل سرخ جهان را
مطلع دوم:	
دوران تو جان داده زمین را و زمان را	تمکین تو آرام مکین را و مکان را
قصیده ۲۶؛ مطلع اول:	
جهان را چون ز خود بیرون روی دارالامان بینی	در آ در ملک بیهوشی کز آسایش نشان بینی
مطلع دوم:	
تو با این شوخ چشمی گر به سوی آسمان بینی	کواکب را چو دل در سینه گردون طپان بینی

## تغزلات و حید

۱- تغزلاتی که وحید در وصف دل دارد و شامل مضامین عرفانی است:

خداوندا دلی ده پر ز گوهر چون دل دریا	که نتواند درو افکند کشتی خواهش دنیا
ز شوق این بحر گوهر خیز را زانسان به جوش آور	که بتواند سمندر چون صدف کردن درو مأوا
دلم دریای عرفان است و اشکم در غلطاناش	نفسها جزر و مدش، آه خونین شاخ مرجانش
	قصیده ۱، بیت ۱-۲ قصیده ۴۰، بیت ۱
۲- تغزلاتی در وصف مازندران دارد؛ قصیده ۲ و قصیده ۱۱. سرایندگانی بسیار در دوره صفویه مازندران را وصف کرده اند:	
شمارم گر گل مازندران را	بساط جوهری سازم زبان را
کند گر سیر باغش روح مانی	ببوسد دست و پای باغبان را
شود جاری اگر در مدح آبش	نشاید بست از گفتن زبان را
	قصیده ۲، ابیات ۱-۳
۳- تغزلاتی که در وصف طبیعت دارد:	
نیلگون پوشید باز از ابر دی ماهی هوا	گشت یا شام فراق آبستن روز جزا؟
	قصیده ۴، بیت ۱ (در وصف ابر)
بس که چابک دست افتاده است استاد بهار	گل دمد از شاخ چون حرف از زبان بی انتظار
	قصیده ۳، بیت ۳۵ (در وصف بهار)

## پیروی از سنت‌های شعری

وحید در بعضی از قصاید خود به آثار قدما از جمله فردوسی، انوری، خاقانی، سلمان و عرفی نظر داشته و نام آن‌ها را ذکر کرده است:

که هریک شوخ‌تر از جلوه برق است جولانش  
نمی‌خواهد دلم تا بشمیری در نظم ایشانش  
ولیکن مختلف آهنگ باشد ساز الحانش  
بده از بهر تحسین آن چه خواهی کرد احسانش  
روا نبود ز لطفت بیش از این داری پریشانش  
قصیده ۴۰، ابیات ۸۷-۹۲

تأثیر وحید از شاهنامه فردوسی در قصایدش در بسیاری از موارد بچشم می‌خورد:  
شکسته‌ای که چو رستم نشایدش بستن  
قصیده ۳۴، بیت ۵

نبندد مرا دست چرخ بلند  
شاهنامه، داستان رستم و اسفندیار، بیت ۷۴۹، ص ۲۶۲

سیر گردد روح رستم از حدیث هفت‌خوان  
قصیده ۳۶، بیت ۱۳

در قصیده ۲۶ وحید قزوینی به استقبال سنایی رفته است:

در آ در ملک بیهوشی کز آسایش نشان بینی  
بیت ۱

یکی زین چاه ظلمانی برون شو تا جهان بینی  
دیوان سنایی، تصحیح مدرس رضوی

قصیده ۱ وحید بر وزن قصیده سنایی با مطلع زیر است:

که نتواند در او افکند کشتی خواهش دنیا  
بیت ۱

قدم زین هر دو بیرون نه این جا باش و نه آن جا  
دیوان سنایی، تصحیح مدرس رضوی

شاعری دیگر که در شعر وحید اثر داشته است انوری است. مبالغه‌های وحید در مدح و هجویه‌های او درباره دشمنان، شاعران فارسی بخصوص انوری را بیاد می‌آورد. به عنوان نمونه ممدوح انوری چنان امن و آرامشی در قلمرو حکومت برقرار می‌کند که کسی دل‌سوزتر از گرگ برای گوسفند نیست و عدل پادشاه چنان امنیتی در کشور برقرار می‌کند که رهن مانند سگ گله از کاروان پاسبانی می‌کند:

غم‌خواره‌تر از گرگ شبان نیست غنم را  
شرح مشکلات انوری، دکتر جعفر شهیدی، ص ۳۸

خفته چون نقش پلنگ آسوده‌دل در بیشه‌ها  
تا تواند کرد فارغ‌بال در صحرا چرا  
قصیده ۴، ابیات ۳۵-۳۶

اگرچه انوری و عرفی و سلمان و خاقانی ولی دانی که من ز آن جمله در مدحت سبق بردم چو من عرفی اگرچه بلبل مدحت‌سرا آمد چو می‌دانی نخواهم زد به نقدش قفل امساک کرامت کن که از دل هست احوالش پریشان‌تر

تأثیر وحید از شاهنامه فردوسی در قصایدش در بسیاری از موارد بچشم می‌خورد:  
به عمر خویش ندیدم به غیر توبه خویش

که به این بیت نظر داشته:

که گفتت برو دست رستم ببند

بشود گر از حدیث ضرب دستش نکته‌ای

در قصیده ۲۶ وحید قزوینی به استقبال سنایی رفته است:  
جهان را چون ز خود بیرون روی دارالامان بینی

دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی

قصیده ۱ وحید بر وزن قصیده سنایی با مطلع زیر است:  
خداوندا دلی ده پر ز گوهر چون دل دریا

مکن بر جسم و جان منزل که این دون است و آن والا

وحید می‌گوید:

آن که با گرگ سیه در عهد او میش سفید  
گور بهر بچه خود دایه می‌گیرد ز شیر

ز امنیّت به عهدش پاس دارد  
چو سگ در گلّه رهن کاروان را  
ای پادشاه دین که جهانت مسخر است  
شیرت به روز صید چو آهوی لاغر است  
خلعت زخمی که می‌بخشد ندارد کوتاهی  
می‌برد این جامه بر قدّ عدو سر تا به پا  
قصیده ۲، بیت ۳۳  
قصیده ۹، بیت ۳۹  
قصیده ۴، بیت ۵۴

اما گاهی این ویژگی موجب سستی شعر و حید می‌شود. به عنوان نمونه صفت جنگ‌آوری برای پادشاهان گردن‌کش برآزنده است که در مدیحه‌های زبان فارسی بکرات بکار رفته است، اما اگر همین صفت عیناً در مورد شخصیتی چون امام رضا (ع) بکار گرفته شود چندان به دل نمی‌نشیند:

تیزی تیغ تو را وصف کسی چون کند؟  
بحر به گوش صدف چون شنود نام او  
دید چو شمشیر تو همچو زبان عدو  
تا دهدش جا شود غنچه گل آفتاب  
بود ز بس بیم تو مهر لب دشمنان  
از نم خون شد زمین لاله‌نشکفته‌ای  
خضم تو را از گریز نیست خلاصی نصیب  
پیر بدست آورد دامن عهد شباب  
آن‌که بود پشت او چون دم تیغ قضا  
در کف مرجان کند رنگ خزان حنا  
شعله زمین‌گیر شد در دهن اژدها  
باز کنی چون گره روز مصاف از لوا  
در دم قتلش نداشت ریختن خون صدا  
گشت ز پرواز رنگ بال تذروان هوا  
چون بتواند گریخت گرد ز باد صبا؟  
گر به سمندت نهد زین ز پی مدعا  
قصیده ۵، ابیات ۵۵-۵۷  
قصیده ۵، ابیات ۶۲-۶۶

در وصف اسب امام رضا (ع) :

لنگ بر سرعتش پای نسیم شمال  
سرعت رفتار او در صف هیجا نداد

اسب ممدوح انوری بدان حد قدرت‌مند است که گندم در سنبله سپهر به جو تبدیل می‌شود تا قضیم او شود:

وقت جو اگر ز عجله طبع  
از بهر قضیم تو شود جو

بر گوشه آسمان زنی سم  
در سنبله سپهر گندم

شرح لغات و مشکلات انوری، جعفر شهیدی، ص ۴۲۹

وحید در وصف اسب ممدوح می‌گوید:

مصرع تندبست او را نیست دیگر مصرعی  
یعنی آن باد سبک جولان که چون برگ خزان  
بر مثال شعله‌جواله‌اید در نظر  
گر دهد جولان به چرخ او را که جولان او  
گر برانگیزی به چرخ او را به جای خویشتن  
جز خرام شوخ آن‌هامون نورد بادپا  
می‌برد از دست و پایش گاه تگ ریگ حنا  
بس که از تندبست تهی از وی نباشد هیچ جا  
روی خود ببند کند چون راکبش رو بر قفا  
پیش از آن آید که آمیزد به یک‌دیگر هوا  
قصیده ۴، ابیات ۵۹-۶۲

انوری قصیده‌ای با مطلع زیر سروده است:  
 باز این چه جوانی و جمالست جهان را      وین حال که نو گشت زمین را و زمان را

وحید نیز به اقتضای قصیده انوری قصیده‌ای با مطلع زیر سرود:  
 ایام دگر چید پی عیش دکان را      رنگی به رخ آمد ز گل سرخ جهان را  
 قصیده ۳، بیت ۱

خاقانی از جمله شعرایی است که تأثیر او بر شعر وحید، بویژه در قصاید او کاملاً آشکار است. یکی از اهم این ویژگی‌ها بکارگیری اصطلاحات نجومی، ترکیب‌سازی، نازک‌خیالی‌ها و علاقه‌ای است که شاعر به تجدید مطلع در قصاید دارد. ویژگی دیگر وحید که متأثر از شعر خاقانی است تراکم تلمیحات در چند بیت متوالی است؛ وحید نیز مانند خاقانی گاهی چندین تلمیح مختلف را بطور متوالی در ابیات قصیده بکار می‌گیرد که البته موجب دشواری شعر او می‌شود:

شهنشاه جهان، مقصود هستی، قبله بینش      جهان کبریا، بالانشین بزم او ادنی  
 حبیب حق رسول کردگار آن مظهر رحمت      که نازان بر وجود اوست ارض یثرب و بطحا  
 شهنشاهی که مانند حباب از شرم اعجازش      دم جان‌بخش را در سینه زندانی کند عیسی  
 قصیده ۱، ابیات ۴۳-۴۵

کف موسی چو دست رنگرز نیلی بچشم آید      چو نورافشانی آغازد لوای ملت بیضا  
 قصیده ۱، بیت ۵۳

در مثنوی عاشق و معشوق، وحید از نظامی تأثیر پذیرفته است. بنا به گفته ذبیح‌الله صفا، این مثنوی بر وزن لیلی و مجنون (هزج اخرب مکفوف مسدس محذوف) سروده شده است.

در قصاید نیز پیوند وحید را با نظامی گنجوی آشکارا می‌بینیم. استفاده از اصطلاحات موسیقی نیز از جمله ویژگی‌هایی است که به تأثیر از شعر نظامی در قصاید او راه یافته است:

بده این بحر را جوشی که هم‌چون صفحه قانون      رباید هوش چون خیزد ز تار موج آن آوا  
 قصیده ۱، بیت ۳

دست بر هم می‌زند از دیدن گل‌ها چنار      آب هم می‌رقصد و هم می‌کند خنیاگری  
 قصیده ۳۱، بیت ۶۶

نظامی:

خوش نبود با نظر مهتران      بردف او جز کف خنیاگران

نظامی، به نقل از لغت‌نامه دهخدا، ج ۷،

ص ۱۰۹۳۹



در آمد باربد چون بلبل مست      گرفته بریطی چون آب در دست  
نظامی، به نقل از لغتنامه دهخدا، ج ۳،  
ص ۴۵۲۰

غزلیات سبک هندی غالباً فاقد شور و احساس است و کمتر مجالی برای بروز احساسات عاشقانه می‌یابد اما تغزل عاشقانه وحید آدمی را به یاد سعدی می‌اندازد:

سرخ است رخ و کف و لب تو      از بساده و از حنا و از پان  
قصیده ۲۹، بیت ۱۴

وحید از مضامین سعدی هم در قصاید خود بسیار بهره‌مند شده است. در بی‌اثر بودن تربیت در افراد نااهل آورده:

سنگدل را تربیت کردن ندارد حاصلی      دیده آینه کی تر از غم روشن‌گر است؟  
قصیده ۶، بیت ۹

که اشاره دارد به این بیت سعدی دارد:

پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است      تربیت نااهل را چون گردکان بر گنبد است  
کلیات سعدی، بیت ۱،

ص ۱۴

خبیث را چو تعهد کنی و بنوازی      به دولت تو گنه می‌کند به انبازی  
کلیات سعدی، بیت ۷،

ص ۱۲۶

وحید واژه فتنه خوابیده را در قصیده ۴، بیت ۵۵ آورده:

دور دور از سایه‌اش پیوسته گردد نور مهر      تا مباد این فتنه خوابیده برخیزد ز جا

سعدی هم دارد:

ظالمی را خفته دیدم نیم‌روز      وان‌که خوابش به تر از بیداری است  
کلیات سعدی، س ۱۰-۱۱، ص ۱۹

غزلیات حافظ نیز از جهاتی گوناگون بر شعر وحید تأثیر گذاشته است. مضامین

شعر حافظ برای وحید مطلوب است. حافظ هم در همین مضمون گوید:

فلک به مردم نادان دهد زمام مراد      تو اهل فضلی و دانش همین گناهت بس  
قزوینی غنی، بیت ۵، ص ۲۳۷

وحید در ستایش فقر دارد:

پیش ما دست تهی از پادشاهی به تر است      ساده بودن روی خوبان را به از صد زیور است  
قصیده ۶، بیت ۱

حافظ:

در مقامی که صدارت به فقیران بخشند چشم دارم که به جاه از همه افزون باشی  
قزوینی غنی، بیت ۱۴، ص ۳۴۷

وحید در مذمت ریاکاران می‌گوید:

دلم ز زاهد خشک دماغ توست ملول به جان تو که دگر می‌روم برون ز وثاق  
قصیده ۱۶، بیت ۲۱

حافظ:

دلم ز صومعه بگرفت و خرقة سالوس کجاست دیر مغان و شراب ناب کجا  
قزوینی غنی، بیت ۹، ص ۹۷

صوفی گلی بچین و مرقع به خار بخش وین زهد خشک به می خوش‌گوار بخش  
قزوینی غنی، بیت ۱۶، ص ۲۳۹

وحید با صائب که سبک هندی به وسیله او تکامل یافت هم دوره بوده است؛ در قصاید، تأثیر وحید از صائب آشکار است. او در وصف ایثار و جان‌فشانی می‌گوید:

خوردن دل، دیده‌ام تا باز شد، کار من است شمع روشن را غذا پیوسته از جزو تن است  
قصیده ۷، بیت ۱

صائب:

غذای نور توانی به تیره روزان داد چو شمع از تن خود گر غذا توانی کرد  
گهرهای راز، زین‌العابدین مؤتمن

وحید قزوینی درباره حرص و طمع می‌گوید:

قامت خم حرص را قوت بازو بود بیش بود محکمی رشته چو گردد دوتا  
گهرهای راز، زین‌العابدین مؤتمن

### معرفی نسخه‌ها

نسخه A: این نسخه به شماره ۱۱۶۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (ملّی سابق) نگاه‌داری می‌شود، به تصریح کاتب در صفحات ۱۳۳ و ۱۵۶ در سال ۱۰۸۱ ق. نگاشته شده است. (فهرست کتابخانه مجلس شورای ملّی، ۴۳۷/۳). نام کاتب مذکور نیست، لیکن با شواهدی می‌توان حدس زد که رضی‌بن شفیعی خراسانی این نسخه را برای خود شاعر کتابت کرده باشد (همان‌جا). شامل حدود چهل هزار بیت و به خط نستعلیق است و مندرجات آن را ابن یوسف شیرازی در فهرست کتابخانه مجلس شورای ملّی (۹/۳-۴۳۷) آورده است. قطع آن رحلی بزرگ (۲۳×۳۶ س.م.)، جلد مقوایی با عطف و گوشه تیماج، کاغذ اصفهانی، شامل ۳۴۲ برگ که در هر صفحه ۵۸ بیت دو ستونی (در قسمت مثنوی‌ها این تعداد رعایت شده است، لیکن در بخش قصاید هر صفحه شامل ۵۴ بیت است)؛ برگ‌های نسخه از ابتدا تا صفحه ۲۰۳ مجدول (همان، ۴۳۹). کاتب ترتیب صفحات نسخه را با رکابه مشخص ساخته است، بعدها در بالای صفحات، شماره‌های پی‌درپی گذاشته‌اند. شمار ابیات این نسخه در

بخش قصاید تخمیناً ۲۱۷۰ بیت است (نه آنگونه که در فهرست کتابخانه ملی تعداد ابیات آن را ۱۱۰۰ گفته‌اند).

در ابتدای اکثر قصاید، علامت صحّ نشان از آن دارد که کاتب پس از نگارش قصاید، آن‌ها را بازخوانی، مقابله و تصحیح کرده است.

از موارد جالب در نسخه حاضر، سوختگی‌هایی است که در زمانی بسیار نزدیک به کتابت پدید آمده و ترمیم شده است. در یک مورد از این سوختگی‌ها از صفحه ۱۷۸ تا ۱۸۱ (دو برگ) ادامه یافته است. محلّ سوختگی با چسباندن کاغذی از نوع کاغذ نسخه ترمیم شده، کلمات از بین رفته و نونویسی شده‌اند.

در صفحه ۲۰۶ نسخه ماده تاریخی وجود دارد که سال ۱۰۹۳ ق. را می‌رساند و با توجه بدان روشن می‌شود که وحید دست کم تا این سال در حال تکمیل نسخه حاضر بوده است (فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ۴۳۷).

رسم الخط: کاتب «چ» را با یک نقطه و «گ» را بدون سرکش می‌نویسد؛ لیکن در نگارش باقی حروف مانند نسخه‌های متأخر و به همان رسم الخط امروزی عمل می‌کند. کاتب در نقطه‌گذاری سهل‌انگار است و کم نقطه بودن از خصوصیات نگارش اوست که در برخی موارد ایجاد اشکال می‌کند، لیکن به یاری نسخه‌های دیگر این مشکل بر طرف می‌شود. وی گه‌گاه در اثر سهل‌انگاری «پ» را نیز با یک نقطه می‌نویسد، لیکن این حرف معمولاً با سه نقطه آمده است.

برای نشان دادن «ای» نکره و شناسه سوم شخص پس از هاء غیر مملووظ از «ء» بهره می‌برد و گاهی از گذاشتن آن نیز صرف نظر می‌کند. یاء میانجی کسره اضافه پس از هاء غیر مملووظ معمولاً حذف شده است. یاء زینت را به صورت «به» (به‌بیند: ببیند) می‌نویسد، اما حرف اضافه «به» را به کلمه بعد می‌چسباند. هر گاه علامت «ها»ی جمع پس از هاء غیر مملووظ بیاید، هاء را حذف می‌کند (غنچه‌ها: غنچه‌ها) و «را» مفعولی را به کلمه پیش از خود متصل می‌نگارد. در باقی موارد رسم الخط این کاتب شبیه به رسم الخط امروزی است.

نسخه B: با شماره ۴۸۷ و با نام «کلیات راز و نیاز» در کتابخانه سلطنتی نگاه‌داری می‌شود. ترقیمه و تاریخ کتابت ندارد و احتمالاً نگاشته سده یازدهم است. قطع آن ۱۱۰×۱۹۵ سانتی‌متر. هر صفحه شامل ۱۵ بیت به خط نستعلیق شکسته خفی خوش است. کاغذ نسخه دولت‌آبادی با جدول زرین و افشان زر غبار است. عنوان‌ها به شنگرف بوده و شش سرلوحه مذهب مرصع عالی بخش‌های مختلف نسخه را از یک‌دیگر متمایز می‌سازد. (فهرست کتابخانه سلطنتی، ۴۱۶ و ۴۱۷). کاتب گهگاه برای طراز کردن مصراع‌ها، از علامت‌هایی شبیه به سر «ع» (نستعلیق) در ابتدا یا انتهای ابیات استفاده می‌کند.

رسم الخط: کاتب در نوشتن تمامی حروف شیوه امروزی را رعایت کرده است؛ جز درباره «گ» که آن را بدون سرکش می‌نویسد. وی «را»ی مفعولی را با کلمه پیش از آن و حرف اضافه «به» را با کلمه پس از آن متصل می‌نگارد. «ب» زینت را گاهی متصل و گاهی جدا

می‌نویسد. «ای» نکره و شناسهٔ سوم شخص را پس از هاء غیر ملفوظ به صورت «ء» نشان می‌دهد. هاء غیر ملفوظ پیش از «ها»ی جمع و «ی» میانجی کسرهٔ اضافه پس از هاء غیر ملفوظ حذف می‌شود. کاتب گهگاه «س» را به رسم نسخ کهن با سه نقطه در زیر مشخص می‌کند.

نسخهٔ C: به شمارهٔ ۱۱۶۲ در کتاب‌خانهٔ مجلس شورای اسلامی (مّلی سابق) با نام «مثنوی میرزا طاهر وحید» نگاه‌داری می‌شود به خطّ نستعلیق و ظاهراً کتابت اوایل قرن دوازدهم هجری است. (فهرست کتاب‌خانهٔ مجلس شورای مّلی، ۴۳۹/۳). نسخهٔ مذکور شامل ۲۶۴ برگ به قطع خشتی باریک (۱۳×۲۳ سانتی‌متر)، هر صفحه ۱۸ بیت و تخمیناً شامل ۹۵۰۰ بیت (نه آن‌گونه که در فهرست تعداد ابیات آن را ۱۳۱۰۰ گفته‌اند) است. جلد این نسخه تیماج ضربی عنوان‌ها به شنگرف و کاغذ آن اصفهانی است. برخی از برگ‌های این نسخه وصّالی شده و بسیاری از آن‌ها افتاده است. (همان ۴۴۰/۳). از ابتدای این نسخه ۲۶۷ بیت (چهار قصیده و شش بیت از قصیدهٔ پنجم) افتاده است و بخش قصاید آن در حال حاضر تخمیناً شامل ۱۹۰۰ بیت (نه آن‌گونه که در فهرست ۵۵۰۰ بیت گفته‌اند) است. کاتب ترتیب صفحات را با رکابه مشخص کرده است و اخیراً صفحات آن را شماره‌گذاری پی‌درپی کرده‌اند.

رسم الخط: مانند نسخهٔ B تنها «گ» را بدون سرکش می‌نویسد و باقی حروف را مانند آن‌چه امروز مرسوم است می‌نگارد. «را» مفعولی به کلمهٔ پیش از خود و «به» حرف اضافه به کلمهٔ پس از خود متصل می‌شود. به جای «ای» نکره و شناسهٔ سوم شخص پس از هاء غیر ملفوظ از «ء» استفاده می‌کند و علاقهٔ بسیاری به متصل نویسی دارد؛ تا جایی که «درینچمن» را به همین صورت پیوسته نوشته است. کاتب «ث» را گه‌گاه با حفظ همزه و افزودن دو نقطه در زیر نشان می‌دهد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، ص ۱۳۴۷.
۲. تذکره نصرآبادی، به کوشش احمد موفق یزدی، ص ۱۷.
۳. تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، ص ۱۳۴۷.
۴. بهارستان سخن، ص ۵۴۴، نقل به معنی.
۵. تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، ص ۱۳۴۸.
۶. مجمع الفصحاء، ص ۱۰۵.
۷. اثرآفرینان، ج ۶، ص ۱۰۵.
۸. تذکره نصرآبادی، به تصحیح وحید دستگردی، ص ۱۷.
۹. تذکره روز روشن، ص ۹۰۱.
۱۰. تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، ص ۱۳۴۸.

## کتاب‌نامه

- ۱- اثر آفرینان (زندگی‌نامه نام‌آوران فرهنگی ایران)، زیر نظر دکتر عبدالحسین نوایی، جلد ششم، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران ۱۳۸۰.
- ۲- بهارستان سخن، صمصام‌الدوله، میر عبدالرزاق، تصحیح و تعلیق عبدالمحمد آیتی - حکیمه دسترنجی، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران ۱۳۸۸.
- ۳- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله، جلد پنجم، بخش دوم، انتشارات فردوس، چاپ نهم، تهران ۱۳۸۳.
- ۴- تذکره روز روشن، مولوی محمد مظفر حسین، به کوشش محمدحسین رکن‌زاده آدمیت، انتشارات کتاب‌خانه رازی، ۱۳۴۳.
- ۵- تذکره نصرآبادی، نصرآبادی، میرزا محمد طاهر، به کوشش احمد موفق یزدی، انتشارات دانش‌گاه یزد، ۱۳۷۹.
- ۶- تذکره نصرآبادی، نصرآبادی، میرزا محمد طاهر، به تصحیح وحید دستگردی، کتاب‌فروشی فروغی، بی‌تا.
- ۷- حافظ، قزوینی - غنی، با مجموعه تعلیقات و حواشی علامه محمد قزوینی، به اهتمام ع. جریزه‌دار، انتشارات اساطیر، چاپ ششم، تهران ۱۳۷۷.
- ۸- دیوان انوری ابیوردی، مدرس رضوی، محمد تقی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۳۷.
- ۹- دیوان صائب تبریزی، قهرمان، محمد، انتشارات علمی فرهنگی، تهران ۱۳۶۵.
- ۱۰- شاهنامه فردوسی، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، نشر قطره، چاپ ششم، تهران ۱۳۸۲.
- ۱۱- شرح مشکلات دیوان انوری، شهیدی، سید جعفر، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۴.
- ۱۲- کشف الابیات شاه‌نامه، به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، سلسله انتشارات آثار ملی، تهران ۱۳۴۸.
- ۱۳- کلیات سعدی، به کوشش مظاهر مصفا، انتشارات روزنه، تهران ۱۳۸۳.
- ۱۴- گهرهای راز از دریای اندیشه صائب، مؤتمن، زین العابدین، بنگاه مطبوعاتی افشاری، تهران ۱۳۶۴.
- ۱۵- مجمع الفصحاء هدایت، رضا قلی خان، به کوشش دکتر مظاهر مصفا، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- ۱۶- مخزن الاسرار، زنجانی، برات، انتشارات دانش‌گاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۸.